



دوشنبه 25 مرداد 6 رمضان 16 اوت

کتاب مقدس "تورات" در ششم ماه مبارک رمضان بر حضرت موسی(ع)، پیامبر رهایی بخش بني اسرائيل از جور و ستم فرعونيان، نازل گردید...

نزول کتاب آسماني "تورات" بر حضرت موسی(ع)

کتاب مقدس "تورات" در ششم ماه مبارک رمضان بر حضرت موسی(ع)، پیامبر رهایی بخش بني اسرائيل از جور و ستم فرعونيان، نازل گردید.

گفتني است که از تورات و انجيل، به عهدین [یعني عهد عتيق و عهد جديد] یاد مي گردد و به شهادت تاريخ و منابع موثق، هيچ يك از کتاب هاي آسماني پیامبران، جز قرآن کریم، چیزی بر جاي نمانده است و تمامی آن ها به دست طاغوت ها و ستمگران عصر نابود شده اند و آن چه که هم اکنون به نام انجيل و تورات، در میان پیروان مسیح و یهود وجود دارد، کتاب هاي اصلي آنان نیست. بلکه برداشت هايي از آن کتاب ها شریف است، که از سوي پیشوایان مذهبي و مقدس این دو کیش، تدوین و منتشر گردیده است و بي تردید، دچار تحریف و زیادتي و کاستي هاي فراواني مي باشند.

ولایت عهدي امام رضا(ع) در سال 201 هجري قمری

امام علي بن موسی الرضا(ع)، امام هشتم شیعیان، پس از شهادت پدر ارجمندش امام موسی کاظم(ع) در زندان بغداد، در سال 183 قمری به مقام منیع امامت نایل آمد و پیشوایی شیعیان و پیروان اهل بیت(ع) را بر عهده گرفت.

آن حضرت در دوران امامت خویش به مدت هیجده سال در مدینه منوره، سکونت داشت و در این مدت، شاهد خلافت غاصبانه هارون الرشید و دو فرزندش امین و مأمون بود. تا این که در سال 200 هجري قمری، مأمون تصمیم گرفت که وي را به خراسان دعوت کند و در اداره کشور، وي را شریک خویش سازد.

آن طوری که از خود مأمون عباسی نقل گردیده است، وي در نبرد با برادرش امین، نذر کرده بود که در صورت پیروزي بر سپاهیان امین و تصاحب مقام خلافت، قدرت را به کسی که افضل آل ابي طالب(ع) باشد بسپارد.

هنگامي که وي بر برادرش امین پیروز شد و در سال 198 قمری بغداد را فتح و بر سراسر عالم اسلام سیطره پیدا کرد، تصمیم گرفت که به نذر خویش وفا کند و در این راستا، امام علي بن موسی الرضا(ع) را که والاترین و افضل آل ابي طالب(ع) بود، مورد توجه قرار داد. وي مي گفت: ما أعلم احدا افضل من هذا الرجل علي وجه الأرض؛ من در روی زمین، شخصیتی بالاتر و بهتر از این مرد [علي بن موسی الرضا(ع)] سراغ ندارم.

بدین منظور، وي یکی از سرداران خویش به نام "رجاء بن ابي ضحاک" را به همراه عیسی جلودي و برخی از همراهان دیگر به مدینه فرستاد و از طریق آن ها امام رضا(ع) را برای سفر به خراسان دعوت نمود.

امام رضا(ع) که خلفای عباسی، از جمله مأمون را در گفتارش صادق نمی دانست و از هدف ها و انگیزه هاي فریب کارانه وي باخبر بود، از پذیرش دعوت مأمون امتناع نمود و ماندن در مدینه را بر رفتن به "مرو" مقرر خلافت مأمون در خراسان ترجیح داد.

ولي با اصرار و اجبار مأموران مأمون روبرو گردید و چاره اي جز پذیرش در خود ندید. آن حضرت پس از وداع با قبر شریف جدش حضرت محمد(ص) و دیگر نیاکان پاکش در بقیع، به ویژه قبر مطهر جده اش حضرت فاطمه زهرا(س)، فرزند خردسالش حضرت امام محمد تقی(ع) را جانشین خود در مدینه قرار داد و به همراه مأموران مأمون و برخی از علویان و یاران خویش عازم خراسان شد.

همین که امام رضا(ع) وارد "مرو" گردید، با استقبال بي نظیر مردم این شهر، از جمله فقها، دانشمندان، شاعران، درباریان و خود مأمون قرار گرفت.

مأمون پس از پذیرایی از امام رضا(ع)، به وي گفت: من مي خواهم خود را از خلافت خلع کرده و آن را به شما واگذارم، آیا از من مي پذيري؟

امام رضا(ع) از پذیرش آن امتناع کرد. چون مي دانست وي در گفتارش صداقت ندارد و مي خواهد از این راه او را بیازماید و یا اگر حکومت را به او واگذارد، پس از مدتی وي را از میان برداشته و خود دوباره حکومت را به دست گیرد و از این راه، حکومت غاصبانه اش مشروعیت بخشد.

از سوي دیگر، وي با قیام هاي گوناگون علویان و غیر علویان در جهان اسلام روبرو بود و مي خواست از این راه آنان را به احترام امام رضا(ع) وادار به سکوت و پذیرش خلافت عباسیان نماید.

امام رضا(ع) که از نیت او آگاه بود، به هيچ صورتی حاضر به پذیرش خلافت نشد. مأمون مجدداً به وي پیشنهاد ولایت عهدي خویش را داد و امام رضا(ع) بار دیگر امتناع نمود. ولي مأمون این بار، استنکاف امام(ع) را نپذیرفت و به وي گوش زد کرد که پذیرش ولایت عهدي، اجباري و قطعي است و مفري برای آن نیست. امام رضا(ع) که با تهدید جدي مأمون روبرو بود، چاره اي جز پذیرش ولایت عهدي نداشت. آن حضرت به خاطر دخالت نداشتن در امر حکومت و شریک نبودن با مأمون در امر خلافت، فرمود: در صورتی ولایت عهدي تو را مي پذیرم که مسئولیت امر و نهي حکومت تو با من نباشد، در چیزی فتوا ندهم و در دعوی داورى نکنم و کسی را عزل و یا نصب ننمایم و آیینی را که هم اکنون در خلافت تو رایج است تغییر ندهم.

مأمون تمام خواسته هاي آن حضرت را پذیرفت و وي را به ولایت عهدي خویش منصوب کرد و به فرزندانش خود، درباریان، فرماندهان و صاحب منصبان و عموم مردم دستور داد با آن حضرت بیعت کنند. از آن هنگام لباس سیاه عباسیان به رنگ سبز که لباس علویان بود

تغییر پیدا کرد پرچم و بیرق سیاه عباسیان به رنگ سبز علویان در آمد و به نام آن حضرت سکه زده و در خطبه های جمعه، از وی تجلیل و تکریم کردند.

درباره تاریخ این واقعه بزرگ، همه مورخان، اتفاق دارند بر این که در ماه مبارک رمضان سال 201 قمری واقع گردیده است، ولی در روز آن اختلاف دارند، برخی روز اول، برخی دوم، برخی چهارم، برخی ششم و برخی هفتم رمضان را ذکر کرده اند. ممکن است علامت اختلاف آنان، از آن جهت باشد که بیعت با آن حضرت، چند روز ادامه داشته است. ولی به نظر می آید که پذیرش ولایت عهده آن حضرت در اول ماه رمضان و بیعت رسمی با وی در ششم و هفتم رمضان بوده است.

آغاز عملیات عاشورای 3 در سال 1364 هجری شمسی

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عملیات عاشورای 3 را با رمز یا سید الشهداء در سال 1364 هجری شمسی آغاز کرد. این عملیات در مدت یک روز و در منطقه عملیاتی شمال فکه با موفقیت به انجام رسید. در پایان عملیات عاشورای 3 تجهیزات دشمن در شمال فکه کاملاً منهدم شد و شماری از افراد دشمن به اسارت سپاه اسلام درآمدند.

در گذشت آیت الله العظمی سبزواری در سال 1372 هجری شمسی

آیت الله العظمی سبزواری از مراجع برجسته عالم تشیع در سال 1372 هجری شمسی درگذشت. وی پس از کسب مراتب عالی اجتهاد به مدت 47 سال دانش گسترده خود را در فقه، اصول، تفسیر، حدیث در اختیار طلاب حوزه علمیه نجف قرارداد. از این عالم جلیل القدر آثار ارزشمندی بجای مانده که از آن میان می توان به «مُهَدَّبُ الاحکام« در 30 جلد که یک دوره کامل فقه استدلالی است و «مَوَاهِبُ الرَّحْمَنِ فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآن« در 30 جلد درباره تفسیر قرآن اشاره کرد. گفتنی است که آیت الله سبزواری در رهبری قیام مردم نجف و کربلا سهم بسزایی داشت؛ به همین علت شدیداً تحت نظر مأموران امنیتی رژیم عراق بود.

در گذشت استاد حسین لاهوتی معروف به صفالاهوتی در سال 1378 هجری شمسی

5 سال پیش در چنین روزی - 25 مرداد ماه سال 1378 هجری شمسی: استاد حسین لاهوتی معروف به صفالاهوتی از شاعران نامدار معاصر در سال 1378 هجری شمسی در 73 سالگی درگذشت. او متولد کاشان بود و در خانواده ای پرورش یافت که اعضای آن جملگی اهل علم و فضیلت و ادب بودند. صفالاهوتی در پایان تحصیلات متوسطه به تهران آمد و در بانک صنعتی مشغول به کار شد. او در سال 1328 شمسی پس از تأسیس سازمان ریشه کنی مالاریا به این سازمان منتقل شد. وی سالها در سراسر کشور پایتختهای مختلفی همچون مدیریت عملیات صحرائی و بازرسی فنی فعالیت داشت. از آثار صفالاهوتی منظومه «ساغر و سامان« و تدوین و تصحیح آثار «نور الدین محمد متخلص به نجیب کاشانی« را می توان نام برد.